

دوشنبه ۱۴۰۰/۳/۱۰

جلسه ۶۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم علی أعدائهم أجمعين من الآن إلى قیام يوم الدين

اللهم كن لوليک الحجة بن الحسن صلواتک علیه وعلی آباءه فی هذه الساعة وفي کلّ ساعة وليا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا حتى تسکنه أرضک طوعا وتمتعه فيها طويلا.

اللهم العن أول ظالم ظلم حقّ محمّد وآل محمّد وآخر تابع له علی ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جميعا.

السلام عليك يا ابا عبد الله وعلی الارواح التي حلت بفنائک عليك منی سلام الله أبدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منی لزيارتکم، السلام علی الحسين وعلی علی بن الحسين وعلی اولاد الحسين وعلی أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أول ظالم باللعن منی وابدء به أولا ثم العن الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وبن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة.

کلام در این بود که اگر در مثبتین وحدت حکمی باشد، مرحوم آقای خوئی فرمود که با یک امتثال هر دو ساقط می شوند مثل «ان ظاهرت فاعتق رقبة» و «ان ظاهرت فاعتق رقبة مومنة». در جایی که هر دو ساقط می شوند مقتضای قاعده این است که بر مطلق و مقید حمل شود و بر افضل افراد حمل نشود چرا که با وجود این، امر به اطلاق مطلقا لغو است. باید امر به اطلاق، مقید شود به عدم اتیان مقید یعنی اگر مقید را اتیان نکردی، مطلق را اتیان کن. خب خود اینکه امر به مطلق مشروط شود و از ظهور آن رفع ید شود خلاف ظاهر است. خلاف ظاهر دوم این است که

برگشت آن به تخییر بین اقل و اکثر است، یعنی مکلف مخیر است که یا مقید را بیاورد و یا مطلق را در ضمن غیر مقید بیاورد و مقید را بیاورد. خب تخییر بین اقل و اکثر محال است زیرا امر به جامع لغو می باشد.

به این فرمایش مرحوم آقای خوئی آقای صدر اشکال کرده است. ایشان می فرماید: مقصود شما از تخییر بین اقل و اکثر که می فرمایید: «تخییر بین اقل و اکثر لازم می آید» تخییر اقل و اکثر در عالم جعل است یا در عالم امثال؟ اگر در عالم جعل است، در عالم جعل دو جعل وجود دارد و تخییر نیست کما اینکه ظاهر دلیل نیز متعدد است، یکی به جامع تعلق گرفته و دیگری به حصه تعلق گرفته است و اصلاً شارع این طور جعل نموده. اگر مقصود این است که در مقام امثال تخییر لازم می آید و این لغو می باشد، می گوئیم: در مقام امثال نیز این گونه نیست زیرا ممکن است یک شخصی مقید را بیاورد چرا که می خواهد عصیان کند. خب اگر مقید را بیاورد و می خواهد عصیان کند، در اینجا بعد از آنکه مطلق در ضمن حصه غیر مقید دارای مصلحت و ملاک است، خب چه وجهی دارد که شارع مقدس از مطلق رفع ید نماید بلکه می گوید: تو که نمی خواهی مقید را بیاوری، خب مطلق را بیاور. وقتی که مطلق را می تواند بیاورد، چه وجهی دارد که از مطلق رفع ید نماید لذا این تخییر بین اقل و اکثر اصلاً هیچ محذوری ندارد و حمل بر افضل افراد مشکلی ندارد. اگر افضل افراد هم نباشد تخییر بین اقل و اکثر مشکلی ندارد.

عرض ما این است که آقای خوئی ره شما فرمودید: «فرق هست بین اکرم العالم و اکرم الهاشمی و بین ما نحن فیه، زیرا اکرم العالم در عالم غیر هاشمی اثر دارد، اکرم الهاشمی نیز در هاشمی غیر عالم اثر دارد، به خلاف این جا چرا که در ما نحن فیه اثر ندارد»، خب آیا اطلاق لغو است یا اصل جعل لغو است؟ در امر مطلق، اطلاق امر به مطلق لغو است؟ نه اطلاق امر به مطلق لغو نیست، اصل جعل لغو است. اگر بفرمایید: اصل جعل لغو است می گوئیم: اصل جعل لغو نیست زیرا ممکن است یک شخصی مقید را عصیاناً بیاورد. خب چه اشکال دارد که جعل نماید؟! پس اصل جعل لغو نیست بلکه اطلاق آن لغو می باشد. خب در اکرم العالم و اکرم الهاشمی نیز این گونه است و

اطلاق آن لغو می باشد زیرا در عالم هاشمی یکی از این دو جعل لغو می شود. اگر بگویید: خب کدام یک لغو است؟ تعیین ندارد به خلاف اینجا که امر به مطلق لغو است. می گوییم: اینکه اشکال ندارد زیرا هر دو را مقید می کند، می گوید: اکرم العالم ان لم یکن هاشمیاً و اکرم الهاشمی ان لم یکن عالماً. ان قلت: مشکل اینکه هر دو را مقید نماید این است که عالم هاشمی اکرام نشود زیرا آن هم همین را می گوید و این نیز همین را می گوید. قلت: این اشکال وارد می باشد اما جواب آن این است که مولی یکی را به دلخواه خودش مطلق می کند. هر دو لغو است لذا یکی را مطلق جعل می کند و دیگری را مقید جعل می کند مثلاً اکرم العالم ان لم یکن هاشمیاً و اکرم الهاشمی. چرا هر دو را مطلق جعل نماید؟! هذا اولاً، ثانیاً در جای خودش عرض کردیم که اطلاق چون مومنه زائده ندارد لغو هست ولی صدور هر لغوی از حکیم قبیح نیست. صدور لغوی از حکیم قبیح است که مومنه زائده بخواهد یعنی مثلاً زحمت بیشتر داشته باشد اما اگر یک جایی زحمت بیشتر نداشته باشد، خب چه اشکال دارد که مطلق جعل نماید و در مواردی همه ملتزم می شود مثل همین نقضی که به آقای خوئی ره در این جا عرض کردیم و موارد دیگری که هست. به خاطر این جهت ما نمی توانیم این فرمایش ایشان را تصدیق نماییم.

اما اینکه فرمود: «این به تخییر بین اقل و اکثر بر می گردد»، اولاً می گوییم: با این بیان به تخییر بین اقل و اکثر بر نمی گردد. این تقریباً مثل ترتب است. در ترتب چطور می گوید: «اهم را بیاور و اگر می خواهی عصیان کنی مهم را بیاور» این جا نیز می گوید: «مقید را بیاور ولی اگر می خواهی عصیان کنی مطلق را در ضمن غیر مقید بیاور». این چه اشکال دارد، این اصلاً تخییر بین اقل و اکثر نیست. این دو جعل می باشد و با این بیانی که عرض کردم کوپی ترتب است.

از این عرض ما معلوم شد که این فرمایش آقای نائینی ره و این جواب های آقای صدر به آقای نائینی ره و آقای خوئی ره اصلاً درست نیست زیرا اصلاً به تخییر بر نمی گردد. در مقام امثال تخییر نیست کما اینکه در مقام جعل تخییر نیست. با این بیان نمی توانیم بگوییم که حمل مطلق بر مقید می شود و ظاهر «اعتق رقبة» و «اعتق رقبة مومنة» وحدت حکم است و حمل مطلق بر مقید می

شود و تعدد حکم نیست، نه این چنین چیزی نیست. فنیاً فرمایش آقای خوئی ره و آقای نائینی ره نا تمام است اما به لحاظ عرفی و سیره عقلاء...، عرض کردیم اصلاً سیره عقلاء این طور تکلمی ندارد و مثلاً بفرماید: «اعتق رقبه» و «اعتق رقبه مومنه» و بعد ما از خود خطابات عرفاً تخییر بفهمیم، حتی اگر در کنار هم بفرمایید باز غلط است مثل اینکه بگوید: «عتق رقبه بکن و عتق رقبه مومنه بکن». این خلاف سیره محاوره و عقلاء ست. بله اگر منفصل بفرماید و احتمال نسخ داده شود، حمل بر نسخ می شود و می گویند که نظر مولی عوض شده (در موالی عرفیه) اما اگر احتمال نسخ داده نشود، اصلاً چنین چیزی در میان عقلاء وجود ندارد لذا اگر اجماع باشد که حمل مطلق بر مقید می شود، ما به این اجماع ملتزم می شویم اما اگر اجماع نباشد نمی توانیم بگوییم که این جمع عرفی است. نسبت به اجماع، فکر نمی کنم اینها در کلمات قدماء مطرح باشد لذا فرمایش آقای خوئی ره و آقای نائینی ره که ما چندین سال فکر می کردیم که کلام تام و تمامی ست و مرحوم استاد اینها را تقریر می فرمود، صحیح نیست. با این بیانی که عرض کردم هر کس تامل نماید مطلب برایش واضح می شود. و للكلام تتمه ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين لعنة الله علی اعدائهم اجمعين